



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۴ winter ۲۰۲۲

مطالعات فقه حکومتی و نظام سازی مبتنی بر موازین اسلامی و قانون اساسی

رضا اصغری^۱ داوود قاسمی^۲ علی بابایی مهر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

چکیده

مطالعه موازین دین اسلام مشخص می کند محدود به بعثت پیامبر خاتم به بعد نبود؛ بل که از آغاز زندگی حضرت آدم، نظام سازی ارائه داد؛ چنان که در آیه ۱۳۲ سوره بقره قران داریم: ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود چنین وصیت کردند: خداوند برای شما دین انتخاب کرد، پس با اسلام بمیرید. مطالعه قانون اساسی حاکی است، اکثریت ایرانیان در تایید همه پرسی جمهوری اسلامی تاریخ های ۱۰ و ۱۱/۰۱/۱۳۵۸ هجری خورشیدی و تصویب قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۴ هجری خورشیدی، حکومت را به جمهوری اسلامی تغییر دادند. مباحثی برای اصلاح نظام سازی مبتنی بر موازین اسلامی مطرح است؛ برخی موازین فقه حکومتی در اصول قانون اساسی پنهان است یا اجرا نشدند؛ مانند جایگاه طب اسلامی در نظام سازی که معاونت بهداشت و درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی بخشنامه های شماره ۱۱۶/۲۳۰۱ مورخ ۱۳۷۷/۲/۹ و ۱۱۴۱۵/ک مورخ ۱۳۷۷/۶/۲۳ انجام حجامت توسط پزشک در مطبها را ممنوع نمود و منجر به شکایت خلاف شرع و قانون اساسی بر اساس آیه ۵۵ سوره مائده از قرآن کریم و اصل پنجم این قانون شد؛ طی نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۶۴۷ مورخ ۱۳۸۰/۴/۵ دبیر محترم (نظر مورخ ۱۳۸۰/۴/۳) فقهای شورای نگهبان: «با توجه به تأکیدات شرعی بر انجام سنت حجامت بخشنامه های مورد اشاره که انجام حجامت را ممنوع نموده است خلاف شرع شناخته شد.» و بخشنامه ها در دادنامه شماره ۱۱۸ تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شدند. اندازه گیری کمی و کیفی نظر مردم و دین سالاری در حکومت، با روش تحلیلی-توصیفی بررسی می شود.

کلید واژگان: ایران، جمهوری اسلامی، فقه حکومتی، قانون اساسی، موازین.

rezapost@iran.ir

Davood_ghasemi_۱۴۳@yahoo.com

gatbabayee@yahoo.com

۱. دانشجوی دکترای حقوق عمومی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شمال، آمل، ایران. (نویسنده مسؤول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

مقدمه

در مطالعه تطبیقی نظام سازی اسلام با قانون اساسی، مردم همواره برای زندگی بهتر، در پی ارتقاء حکومت داری اند و بر آن شدند الزام هایی برای عموم داشته باشند.

در الزام های کلی، قانون اساسی وضع کردند؛

پیش از تشکیل جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی مورخ ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵/۱۰/۸ هجری خورشیدی) وضع شد.

با توجه به تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب (همه پرسى تاریخ های ۱۰ و ۱۱/۱۱/۱۳۵۸ هجری خورشیدی) لازم بود این قانون اصلاح شود، ولی آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب همه پرسى تاریخ های ۱۱ و ۱۲/۹/۱۳۵۸ و همه پرسى بازنگرى تاریخ ۱۳۶۸/۵/۶ با کلمه ی "جمهوری" که در منابع دینی مشاهده نشد منطبق است؟ یا از کلمه ی "اسلامی" استفاده شد؟

مطالعه بر مبنای فقه حکومتی، مطالعه بر مبنای دین تلقی می شود. نظام سازی مبتنی بر موازین اسلامی، ساخت نظام با استفاده از دین اسلام می باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم پذیرفتند اساس حکومت، مبتنی بر دین اسلام باشد.

ضمن تعیین عناوین "حکومت اسلامی" و "شیوه حکومت در اسلام" در مقدمه، اصول اول، دوم، چهارم، پنجم، هفتم، هشتم، یازدهم، دوازدهم، چهاردهم، شانزدهم، هفدهم، یکصد و پنجم، یکصد و پنجاه و یکم، یکصد و پنجاه و چهارم، یکصد و شصت و هفتم، اصل یکصد و هفتادم و یکصد و هفتاد و هفتم، اسلامی بودن حکومت تبیین شد.

با وجود مراکز توسعه دهنده ی موازین اسلامی در حکومت (رهبری، قوای مجریه، قضاییه و مقننه)، کاستی هایی موجود است که جای مطالعه دارد.

۱- نظام سازی پیش از انقلاب اسلامی ایران

پیش از انقلاب حکومت جمهوری اسلامی ایران، شاه و طرفدارانش سیاست اداره ی امور را بر حق می دانستند؛ ولی مردم، حکومت را به حق نمی دانستند؛ زیرا زندگی مردم به نسبت برخی جهانیان در ابعاد مادی و معنوی، با ضعف مواجه بود رفاه بعضی بیشتر و آزادی برای پیشرفت معنوی مخدوش بود. با حمایت منسجم اندیشمندان، در کشور ایران انقلاب شد و بر اساس اصل اول قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۴ با اصلاحات بعدی ۱۳۶۸/۵/۶ تایید همه پرسى، در همه پرسى تاریخ های ۱۰ و ۱۱/۱۱/۱۳۵۸ هجری خورشیدی، ۹۸٫۲٪ واجدین شرایط، به جمهوری اسلامی، آری گفتند تا حکومت به نفع امت تغییر کند. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص.

(۲۱)

از فرمایش امام صادق: هر کس در سه چیز خود را بر حق پندارد: ۱- دینی که به آن اعتقاد دارد، ۲- هوای نفسی که بر او چیره شد ۳- تدبیری که در امور خود به کار می برد. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص. ۵۷۸).

۲- تطبیق قوانین اساسی قبل و بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران:

با مقایسه ی:

- ۱- قانون اساسی مصوب ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵/۱۰/۸ هجری خورشیدی با امضای مظفرالدین شاه قاجار، ص. ۱) (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱). و
 - ۲- متمم قانون اساسی (مصوب ۱۴/۷/۱۲۸۶ هجری خورشیدی با امضای محمدعلی شاه قاجار، ص. ۱) (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱).
- با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسی تایید قانون اساسی، (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱) مشخص می شود برخی اصول از رویه ی قبل از انقلاب برداشت شد مثل:
- ۱- (اصول اول تا چهاردهم) و (اصول سی و نهم تا چهل و دوم) قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵/۱۰/۸ هجری خورشیدی، با تغییر نوع مجلس به مجلس شورای اسلامی، اصلاح قسمتی از روش ها و انتقال به "مبحث اول: مجلس شورای اسلامی" "فصل ششم: قوه مقننه" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲، "تشکیل مجلس" تغییر اساسی نکرد.
 - ۲- (اصول پانزدهم تا سی و یکم) و (اصول سی و دوم تا سی و هشتم) قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵/۱۰/۸ هجری خورشیدی و (اصول سی ام تا سی و چهارم) متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶/۷/۱۴ هجری خورشیدی، با اصلاحاتی جای خودشان را به "مبحث دوم: اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی" "فصل ششم: قوه مقننه" (اصول هفتاد و یکم تا نودم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲، دادند.
 - ۳- (اصول چهل و سوم تا پنجاه و یکم)، جای خود را به (اصول نود و یکم تا نود و نهم) جهت ارسال و بررسی مصوبه ها با شرایط متفاوت داد.
 - ۴- (اصول اول تا هفتم) متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶/۷/۱۴ هجری خورشیدی، به مشابقت "فصل اول: اصول کلی" و "فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسی تایید قانون اساسی، اصلاح شد.
 - ۵- قسمت "حقوق ملت ایران" متمم قانون اساسی، به "فصل سوم: حقوق ملت"، و (اصول پانزدهم تا هفدهم)، به "فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسی تایید قانون اساسی، اصلاح شد.
 - ۶- (اصول بیست و ششم تا بیست و نهم)، به "فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسی تایید قانون اساسی، اصلاح شد.
 - ۷- (اصول سی و پنجم تا پنجاه و هفتم)، به "فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسی تایید قانون اساسی، اصلاح شد.

۸- (اصول پنجاه و هشتم تا هفتادم)، به (اصول یکصد و سی و سوم تا یکصد و چهل و دوم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، اصلاح شد.

۹- (اصول هفتاد و یکم تا هشتاد و نهم)، به (اصل یکصد و پنجاه و ششم تا یکصد و هفتاد و چهارم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، اصلاح شد.

۱۰- (اصول نود تا نود و سوم)، به (اصل یکصد تا یکصد و ششم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، اصلاح شد.

۱۱- (اصل صد و چهارم تا صد و هفتم)، به (اصول یکصد و چهل و سوم تا یکصد و پنجاه و یکم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، اصلاح شد.

۱۲- قسمت "اصل الحاقی"، به (اصل یکصد و هفتاد و هفتم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، اصلاح شد.

۱۳- "مقدمه" و قسمت هایی تا پیش از فصل اول و "فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن" و "فصل نهم: قوه مجریه" و "فصل دهم: سیاست خارجی" و "فصل دوازدهم: صدا و سیما" و "فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی"، به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ همه پرسى تاييد قانون اساسى، الحاق شد. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۹)

۳- نظام سازی حکومت جمهوری اسلامی:

برای تعیین مصادیق خواست حکومت، در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۲ هجری خورشیدی، ۵۱،۷۱٪ واجدین شرایط، ۷۳ نفر خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی را مشخص کردند. (وزارت کشور، ۱۳۹۶ هجری خورشیدی).

سپس قانون اساسی تدوین، و در همه پرسى تاریخ های ۱۱ و ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ هجری خورشیدی، به تاييد ۷۵،۲۳٪ اکثریت واجدین شرایط مردم رسید. (وزارت کشور، ۱۳۹۶ هجری خورشیدی).

از گذشته کلمه هایی بودند که از آن برداشت های متفاوت می شد؛ مانند:

۱- اسم "قانون" که در معرب، مأخوذ از یونانی است و به تدریج جایگزین کلمه ی عربی "حکم"، شد و تلفظ فارسی "دستور" است. (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۸۰۹).

کلمه ی "حکم" علاوه بر آیه ۴۴ سوره بقره، آیه های ۷، ۸۵ و ۱۳۴ سوره آل عمران، آیه ۱۱ سوره رعد و آیه ۸ سوره ممتحنه، در آیه ۱۰۹ سوره یونس قرآن آمد: "و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن، و شکیباً باش، تا خداوند دستور را صادر کند؛ و او بهترین دستوردهندگان است." «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۲۲۱).

۲- صفت "اساسی"، از کلمه ی عربی "ام الكتاب" و کلمه ی فارسی، "اصل" است. (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۳).

کلمه ی "ام الكتاب" در آیه ۷ سوره آل عمران قران آمد: "او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» است؛ که اساس این کتاب می باشد" «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ». (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۵۰).

۳- اسم "جمهوری"، در عربی "ناس" و در فارسی "مردم" آمد. (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۸).

کلمه "ناس" در آیه ۷ سوره زخرف قران آمد: "اگر سبب نمی شد که همه مردم امت واحد شوند، ما برای کسانی که به رحمان کافر می شدند خانه هایی قرار می دادیم با سقف هایی از نقره و نردبان هایی که از آن بالا روند،" «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۴۹۱).

۴- صفت "اسلامی" در زبان عربی "سنه" ترجمه شد.

امام صادق صفت "اسلامی" را این گونه شرط گذاشت: حق پدر و مادر از حقوق خدا جدا و متفرع می شود، به شرط آنکه بر طریقه دین و روی روش اسلامی سلوک کنند. «لان حق الوالدین مشتق من حق الله تعالی اذا كانا علی منهای الدین و السنه» (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص. ۳۱۱).

در زبان فارسی، اسلامی. [I] (ص نسبی) منسوب باسلام است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۹۴).

اسم "اسلام" در آیه ۱۹ سوره آل عمران قران آمد: "همانا دین نزد خدا، اسلام است و کسانی که به کتاب داده شده اختلاف نکردند، مگر کسی که پس از علم، به خاطر خروج از حق میان خود به آنها رسید و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس همانا حساب خدا، سریع است". «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعٌ الْحِسَابِ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۵۲).

۴- دستور اصل انس اسلام

عبارت این عنوان را می توان ترجمه "قانون اساسی جمهوری اسلامی" بیان کرد. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۹).

طبق نظر امام علی؛ کتاب خدا به چهار صورت:

۱- عبارت مخصوص عوام و ۲- اشاره مربوط به خواص و ۳- لطایف مخصوص اولیا و ۴- حقایق مخصوص انبیاء،

است. «من کتاب الله علی أربعة أشياء العبارة و الإشارة و اللطائف و الحقائق فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطائف للأولياء و الحقائق للأنبياء.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۳۱).

آیه ۲۵ سوره حدید قران ادامه داد: "ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند!" «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

در سوره الرعد آیه ۳۸ آمد: "ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ ... برای هر زمانی کتابی دارد!" «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»

بنابر فرمایش امام صادق: کتاب، همان اسم اکبر است، و از آنچه بنام کتاب معروفست: تورات و انجیل و فرقان است، ولی در آن کتاب، کتاب نوح و صالح و شعیب و ابراهیم است که خدای عز و جل خبر می دهد. «در آیه های ۱۸ و ۱۹ سوره اعلی ذکر شد: همانا این در صحف نخستین یعنی صحف ابراهیم و موسی است. (إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى [۱۸] صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى [۱۹])» پس صحف ابراهیم کجاست! همانا صحف ابراهیم، اسم اکبر است و صحف موسی هم اسم اکبر است: پس همیشه وصیت نسبت بعالمی پس از عالم دیگر جریان داشت، تا آن را بمحمد رسانیدند، و چون خدای عز و جل محمد را مبعوث کرد، مستحفظین پسین باو اسلام آوردند و بنی اسرائیل تکذیبش نمودند، او بسوی خدای عز و جل دعوت کرد و در راهش جهاد نمود تا آنکه خدای - جل ذکرة - باو امر فرستاد که فضیلت وصیت را آشکار کن، (کلینی، ۱۳۶۹، ص. ۵۵).

امیر المؤمنین فرمود: محمد ... بروح الامین یعنی جبرئیل و نور هویدا و کتابی که در غایت روشنی یا روشنی بخش است که عبارت از قرآن مجید و فرقان حمید است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ص. ۵۷).

آخرین فرستاده ی پروردگار گفت: ای گروه مردم! در باره قرآن ببانندیشید، و از آیاتش سر در آورید، و همیشه به محکم های آن ناظر باشید، و نباید از آیه های متشابه پیروی کنید، و قسم به خدا که کسی نمی تواند حقائق و دقائق قرآن را تفسیر و بیان کند مگر علی فرزند ابی طالب که برادر و وصی من است. (طبرسی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۱)

محمد بن سنان حدیث کند: از حضرت صادق پرسیدم قرآن و فرقان دو چیزند یا یک چیزند؟ فرمود: قرآن همه کتاب است، و فرقان همان قسمت محکم آن است که عمل بدان واجب است. (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ص. ۴۳۸)

پیغمبر فرمود: ای پسر سلام هر چه خواهی بپرس؛ ... آمدی از من ۱۰۰۰ مسأله و ۴۰۰ مسأله و ۴ مسأله بپرسی که همه را از تورات نسخه گرفتی، ...

س ۱۱- دین خدا چند تا است؟ ج: یکی و آن اسلام و مسلمانی است، (پسر سلام): راست گفتی ای محمد.

س ۱۴- خدا چند کتاب فرو فرستاد؟ ج: ۱۰۴ کتاب، (پسر سلام): راست گفتی ای محمد.

س ۱۵- بر چه کسانی این کتابها نازل شدند؟ ج: ۱۴- صحیفه بر آدم علیه السلام ۲۰ صحیفه بر ابراهیم و ۵۰ صحیفه بر شیث پسر آدم و ۳۰ صحیفه بر ادريس و فرو فرستاد زبور را بر داود، و تورات را بر موسی، و انجیل را بر عیسی، و فرقان را بر من، (پسر سلام): راست گفتی ای محمد.

س ۱۶- بر تو کتاب فرو فرستاده؟ ج: آری.

س ۱۷- کدام کتاب است؟ ج: فرقان است.

س ۱۸- چرا پروردگارش فرقان نامید؟ ج: برای آنکه آیات و سورش از هم جدايند و بر لوح نقش نبوده و صحیفه نبوده. و تورات و انجیل و زبور همه در لوح نقش بودند، (پسر سلام): راست گفتی ای محمد.

س ۱۹- در کتاب تو از این صحف چیزی درج است؟ ج: آری، ای پسر سلام.

س ۲۰- آن چیست ای محمد؟ ج: پیغمبر برای او خواند-آیه ۱۴ سوره اعلی قران: البته رستگار است کسی که پاک است «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» - تا قول خدا- آیه ۱۹ سوره اعلی قران: «صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى»؛ (پسر سلام): راست گفتی ای محمد. (مجلسی، ۱۳۶۳، ص. ۲۱۳)

خلیفه های پیام بر:

پیامبر خاتم فرمود: علی فرزند ابی طالب خلیفه من در امتم، و صاحب اختیارتر بر مؤمنین از خودشان است. وقتی او از دنیا رفت این پسرم خواهد بود- و حضرت دست بر سر امام حسن علیه السلام قرار دادند- و وقتی او از دنیا رفت این پسر- و حضرت دست بر سر امام حسین علیه السلام قرار دادند- سپس نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام یکی پس از دیگری خواهند بود. آنان هستند که خداوند در این کلامش قصد کرد: آیه ۵۹ سوره نساء فرمود: «خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت نمائید» (انصاری زنجانی خوئینی، ۱۳۷۴، ص. ۶۳۴). «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۸۷) ارتباط کتاب خدا با حدیث:

امام محمد باقر فرمود: وقتی برای شما از چیزی حدیث گفتم بپرسید از کجای کتاب خدا است؟ «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص. ۳۰۰، ح ۲) محکمت و متشابهات کتاب مادر:

از امام جعفر صادق در قول خدای عزوجل (آیه ۷ سوره آل عمران): «اوست آن که بر تو کتاب را فرو فرستاد؛ بعضی از آن ها، آیه های محکم ها هستند آنها مادر کتاب هستند» «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» «وَ آخَرَ مُتَشَابِهَاتٍ»، فرمود: «آیه های محکم ها، امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام» (کلینی، ۱۳۸۸، ج. ۲، ص. ۴۱۹)، «و آیه های دیگر متشابه ها هستند». (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۵۰، ح ۱۱۰۱ / ۱۴)

امام رضا فرمود: هر کس متشابه های قرآن را به محکمت آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شد، سپس فرمود: در اخبار ما نیز همانند قرآن محکم و متشابه وجود دارد، لذا متشابهات آن را به محکمت آن ارجاع دهید و صرفا به دنبال متشابهات آن نروید که گمراه می شوید. (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج. ۱، ص. ۵۸۹).

امام عسکری: پناه بخدا می برم از گروهی که محکم های کتاب را حذف کردند و خدا پروردگار پروردگاران و پیامبر اکرم و ساقی کوثر و پایگاه های حساب و آتش دوزخ و طامه کبری و نعمت های عالم آخرت را فراموش کرده اند. ما کوهان بزرگ هستیم در میان ما نبوت و ولایت و کرم است ما منار هدایت و عروه الوثقی هستیم انبیاء از نور ما اقتباس می کنند و پیرو آثار ما هستند بزودی حجت خدا بر مردم با شمشیر آخته برای آشکار نمودن حق ظاهر خواهد شد. (مجلسی، ۱۳۶۳، جلد ۴، ص. ۱۹۷) «الْعَسْكَرِيُّ ع: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ قَوْمٍ حَدَفُوا مُحْكَمَاتِ الْكِتَابِ وَ نَسُوا اللَّهَ رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ النَّبِيَّ وَ سَأَقَى الْكُوثَرَ فِي مَوَاقِفِ «۲» الْحِسَابِ وَ لَطَى وَ الطَّامَةَ الْكُبْرَى وَ نَعِيمَ دَارِ الثَّوَابِ فَنَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ فِينَا النُّبُوَّةُ وَ الْوَلَايَةُ وَ الْكُرْمُ وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْأَنْبِيَاءُ كَانُوا

يَقْتَسِبُونَ مِنْ أَنْوَارِنَا وَ يَقْتَفُونَ آثَارِنَا وَ سَيِّظُهُرُ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بِالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ لِإِظْهَارِ الْحَقِّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ قمری، جلد ۲۶، ص. ۲۶۴، ح ۵۰)

پس در نگارش کتاب مادر برای مردم مسلمان، مناسب است آیه های محکم ها مشخص شود.

۵- اسلام در موازین اسلامی:

س ۱۰- اسلام چیست؟ و ایمان کدام است؟ ج: اسلام شهادت به این که خدایی به جز خدای یگانه نیست که برای خود شریک ندارد و اعتراف باینکه محمد بنده و فرستاده او است و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات و روزه ماه رمضان و حج بخانه خدا اگر راهی بدان توانی؛ اما ایمان عقیده بخدا و فرشته هاش و بکتاب و پیغمبران و برانگیخته شدن پس از مرگ و بقدر که نیک و بد همه از جانب خدا است. (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۵۴، ص. ۲۱۷) قَالَ وَ مَا الْإِسْلَامُ وَ مَا الْإِيمَانُ. قَالَ أَمَّا الْإِسْلَامُ فَتَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ الْإِقْرَارُ بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْحَجُّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ أَمَّا الْإِيمَانُ فُتُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْقَدَرِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج. ۵۷، ص. ۲۴۳).

س ۱۳- پس اهل بهشت با اسلام یا ایمان یا کردار خود داخل می شوند؟ ج: با ایمان سزاوار بهشت شوند و با رحمت خدا داخل گردند و با کردارشان آن را تقسیم می کنند. (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۵۴، ص. ۲۱۳) قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَهْلُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ بِالْإِسْلَامِ أَمْ بِالْإِيمَانِ أَمْ بِأَعْمَالِهِمْ. قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ اسْتَوْجِبُوا الْجَنَّةَ بِالْإِيمَانِ وَ يَدْخُلُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ يَقْسِمُونَهَا «يقتسمونها (خ). بِأَعْمَالِهِمْ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج. ۵۷، ص. ۲۴۱، باب ۳۷ نادر: ۱۰).

شرط نام حکومت، "جمهوری اسلامی" این بود که به یگانگی پروردگار شهادت دادند. نخستین شرط ردیف ۱ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱ و ۱۳۵۸/۹/۱۲ با اصلاحات بعدی، (پروردگاری جز خدای یگانه نیست) در دیگر ادیان هم وجود دارد. اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۱).

شرط دوم، اعتراف به این که محمد بنده و رسول پروردگار است؛ این شرط در قانون اساسی تصریح نشد ولی بر اساس قسمت "نمایندگان" این قانون، مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام به پایان رساند؛ (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۰). بر اساس اصل اول این قانون: ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، به آن (جمهوری اسلامی) رای مثبت داد. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۱). بر اساس ردیف ۲ اصل دوم این قانون، جمهوری اسلامی، نظامی بر پایه ایمان به: "وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین" است. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۲). بر اساس اصل هفدهم این قانون: مبدأ تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام است. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۹). بر اساس اصل یکصد و بیست و یکم این قانون: رئیس جمهور: "در پیشگاه قرآن

کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کند که با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد." (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۷۳).

سومین شرط، بر پا داشتن نماز است؛

موارد مشابه در این قانون، پیش بینی شد:

اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- اختصاص حاکمیت و تشریح و لزوم تسلیم در برابر امر خدای یکتا.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۱).

اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۶).

استناد اصل، آیه ۷۱ سوره توبه قرآن است: "مردان و زنان با ایمان، ولیّ یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛" «و

الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۱۹۸)

اصل دوازدهم: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۲۷).

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۳۱).

اصل پنجاه و ششم: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید اعمال می کند. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص. ۴۵).

اصل یکصد و پنجاه و چهارم: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند. (جهان گیر، ۱۳۸۳، ص.

(۸۴).

پس قانون اساسی هم، بر پایه عمل به دین کامل (اسلام) تصویب شد.

۶- فقه حکومتی:

از جمله موارد فقه حکومتی، امر پروردگار است که از طریق وحی به بشر منتقل شد.

همین که خدای رؤف، حضرت آدم را خلق کرد و روح را در بدن او دمید و امر کرد ملائکه او را سجده کنند- و این سجده در واقع برای خدا بود و نسبت بحضرت آدم اطاعتی بود- ابلیس بجهت طغیان و حسودی از سجده امتناع کرد و گفت: مرا از آتش

و آدم را از خاک خلق کردی. ابلیس گفت: خدایا مرا از سجده آدم معذور بدار تا تو را طوری عبادت کنم که احدی نکرده،

خدای تعالی به او وحی کرد من چیزی از عبادات تو را قبول نمی کنم مگر این که حضرت آدم را اطاعت کنی، خدای قهار

(مسعودی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹) او را گفت: لعنت من تا قیامت بر تو باد؛

ابلیس گفت: خدایا پس مرا تا روز معلوم مهلت بده،

خطاب رسید: تو تا روز معلوم مهلت خواهی داشت.

از امام صادق (خاندان محمد) سؤال شد: سبب اینکه خدا ابلیس را مهلت داد چه بود؟

فرمود: موقعی که ابلیس بزمین هبوط کرد بنای حکومت و تغییر و تبدیل (احکام را) نهاد و خدا بر او غضب کرد، آنگاه ابلیس یک

سجده ای کرد که مدت آن چهار هزار سال طولانی شد و خدا بجهت آن سجده او را تا موقع قیام صاحب الامر علیه السلام مهلت

داد.

امام صادق فرمود: ابلیس لعین گفت: خدایا بعزت تو قسم، غیر از بندگان مخلص تو کلیه بندگان را اغواء (گمراه) می کنم.

پس کمک گرفتن از فقه حکومتی به منظور دور شدن اجرای خواسته های ابلیس، گریزناپذیر است.

۶-۱- دین و دو دولت

روایت شد مردی از صادق خاندان محمد از تفسیر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران پرسید؛ (ما آن روزها را بین مردم مرسوم می نمایم)

و روی آن رجلا سأل العالم علیه السلام عن قول الله عز وجل «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۶۷).

آن حضرت پاسخ فرمود: از زمانی که خدا حضرت آدم را خلق کرد (مسعودی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹)؛ همیشه دو دولت در کار بود:

۱- دولت خدای عز و جل که دولت انبیاء و اوصیاء باشد. ۲- دولت ابلیس.

موقعی که دولت برای انبیاء و اوصیاء باشد خدا علنا پرستش می شود، و موقعی که دولت برای ابلیس باشد خدا بنحو پنهانی

پرستش می شود. «فقال: ما زال مذ خلق الله آدم فی کل زمان دولتین دولة لله جل و عز و هی دولة الأنبياء و الاوصیاء، و دولة

لابلیس. فاذا كانت الدولة للانبیاء و الاوصیاء عبد الله نبيّه فی الظاهر، و اذا كانت دولة ابلیس (لعنه الله) عبد الله فی السر.» (مسعودی،

۱۳۸۴، ص. ۱۹)

امام جعفر صادق فرمود: پس در این زمان دولت خدا کو؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم از خاندان محمد است. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: فَأَيْنَ دَوْلَةُ اللَّهِ أَمَا هُوَ قَائِمٌ وَاحِدٌ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۱، ص. ۵۴، ح ۳۸).

امام علی که درود خدا بر او باد گفت: «در امر حکومت، چاره‌ای از امیر داشتن و از این که رزقی برای او در نظر گرفته شود، نیست؛ و چاره‌ای از داشتن کسی که مردم را بشناسد و رزقی برای او نیست؛ و چاره‌ای از داشتن حسابدار و روزی برای او نیست؛ و چاره‌ای از داشتن قاضی و در نظر گرفتن روزی‌ای برای او نیست و حضرت خوش نداشت که رزق قاضی به عهده کسانی باشد که برای‌شان قضاوت می‌کند و آن باید از بیت‌المال باشد.» «عَنْ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لَا بَدَّ مِنْ إِمَارَةٍ وَ رِزْقٍ لِلْأَمِيرِ وَ لَا بَدَّ مِنْ عَرِيفٍ «الْعَرِيفُ: مَنْ يَعْرِفُ أَصْحَابَهُ - الْعَرِيفُ: النَّقِيبُ دُونَ الرَّئِيسِ.» وَ رِزْقٍ لِلْعَرِيفِ وَ لَا بَدَّ مِنْ حَاسِبٍ وَ رِزْقٍ لِلْحَاسِبِ وَ لَا بَدَّ مِنْ قَاضٍ وَ رِزْقٍ لِلْقَاضِي وَ كَرَهُ أَنْ يَكُونَ رِزْقُ الْقَاضِي عَلَى النَّاسِ الَّذِينَ يَقْضِي لَهُمْ وَ لَكِنْ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص. ۱۴۶، ح ۱۱۵ - ۴۵۳۶۱ - (۲) و از سخنان آن حضرت (امام علی) است چون سخن خوارج را شنید که می‌گفتند «حکمی مگر (حکم) خدا نیست» (شریف الرضی، ۱۳۷۸، ص. ۳۹)؛ امام گفت: انتظار حکم خدا را در باره شما می‌دارم، [و امام افزود:] اما حکومتی که بر پایه کردار نیک باشد، پرهیزگار در آن کار خود کند، و در حکومتی که بر اساس تبهکاری است، بد کردار بهره خویش برد تا آن گاه اجلس سر رسد و مرگش در رسد. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص. ۸۱-۸۳) «۴۰ و من کلام له ع [للخوارج] فِي الْخَوَارِجِ لَمَّا سَمِعَ قَوْلَهُمْ «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» قَالَ حُكْمَ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ وَ قَالَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقِيُّ وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقِيُّ إِلَى أَنْ تَنْقَطَعَ مَدَّتُهُ وَ تُدْرِكَهُ مَبِيَّتُهُ.»

بنابر این جدایی از دولت ابلیس، کشف و تمسک از دولت پروردگار لازم است.

نتیجه گیری

با مقایسه ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی پیش از آن، مشخص شد مقدار بیشتری از مبانی فقه حکومتی در نظام سازی مبتنی بر موازین اسلامی وارد شد ولی در تطبیق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با فقه حکومتی و نظام سازی مبتنی بر موازین اسلامی، راه فراوان ماند. از آنجا که به فرموده ی پیامبر خاتم، دین خدا یکی است (مجلسی، ۱۳۵۱، ج. ۵۴، ص. ۲۱۲)؛ لازم است دین کامل کشف شده و به همه ارائه شود تا مردم به وحدت نظر برسند. برای تشکیل و فعالیت صحیح حکومت، پسندیده است حاکمین، دین را شناخته و عامل باشند. بدین منظور در آیه ۴۴ سوره بقره آمد: چگونه مردم را به نیکی دستور می دهید و خود را فراموش می کنید و حال آنکه کتاب (خدا) را می خوانید، چرا نمی اندیشید؟ «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۶۷).

در حکومت مردمی، اگر مردم، دین کامل را نشناسند توانایی پذیرش و اجرا از دست رفته و اگر حاکمان هم متدین باشند امکان اجرای صحیح متصور نیست. در آیه ۱۱ سوره رعد قرآن داریم: "برای او، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا حفظ می کنند؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت!" «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ [۱۱]» (عثمان طه، ۱۳۶۹، ص. ۲۵۰).

برای تکمیل دستور کتاب مادر مردم، مناسب است محکقات قرآن کشف و تدوین شده تا با کمک تفاسیر حقیقی، تکمیل و عمل شود. همان گونه که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

۱- موازین اسلامی (اصل چهارم) بر قوانین و مقررات حاکم است.

۲- قوانین نمی تواند مغایر مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی باشد (اصل هفتاد و دوم).

۳- قوانین نباید مغایر سیاست های کلی نظام موضوع ردیف های ۱ و ۲ اصل یکصد و دهم قانون اساسی، باشد (ردیف ۴ سیاست های کلی نظام قانون گذاری مصوب ۰۲/۰۷/۱۳۹۸ رهبر معظم انقلاب)؛ برابر مواد ۱ و ۲ قانون مدنی مصوب ۰۸/۰۸/۱۳۱۴ با اصلاحات بعدی، رئیس جمهور باید دستور انتشار مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسى را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است منتشر نماید تا لازم الاجرا شود. و طبق تبصره ماده ۳۰ آئین نامه داخلی هیأت دولت مصوب ۰۸/۰۹/۱۳۶۸ با اصلاحات بعدی، مصوباتی که علاوه بر دستگاههای اجرائی و کارکنان آن برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد می نماید، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا است.

و مطابق ماده ۱۲۳ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی، سیاست های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری لازم الاجرا است.

فهرست منابع

۱- فارسی:

الف) کتاب ها:

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تحف العقول، مترجم حسن زاده، صادق. قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰ ق). اسرار توحید/ ترجمه التوحید للصدوق، مترجم: اردکانی، محمد علی، تهران: علمیه اسلامیة.
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأملی (للصدوق)، مترجم: کمره ای، محمد باقر، تهران: کتابچی.
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: مستفید، حمید رضا و غفاری، علی اکبر. تهران: صدوق، جلد ۱.

الیاس انطون الیاس. (۱۳۶۱). فرهنگ نوین عربی- فارسی، ترجمه القاموس العصری، باهتمام سیدمصطفی طباطبایی، تهران: اسلامیة.
 منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم. (۱۳۶۰). مصباح الشریعه، مترجم: علامه مصطفوی، حسن. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

بروجردی، آقا حسین. (۱۳۴۵). منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعۀ)، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، جلد ۳۰.
 جهان گیر منصور. (۱۳۸۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تایید همه پرسى ۱۳۵۸/۰۸/۲۴ با اصلاحات بعدی، تهران: نشر دوران.

دهقان، اکبر. (۱۳۸۷)، نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم، قم: حرم، جلد ۲.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۸). نهج البلاغه، مترجم: شهیدی، سیدجعفر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۱). الإحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه بهراد، جعفری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

عمید حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، تهران: آشجع.

کمالی دزفولی، علی. (۱۳۷۰). شناخت قرآن تهران: اسوه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی، مترجم: مصطفوی، سیدجواد، تهران: علمیه اسلامیة، جلد ۱، جلد ۲ جلد ۴.

مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، (۱۳۶۲)، إثبات الوصیة لعلی بن أبی طالب (ع)، مترجم نجفی محمد جواد، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۳) بحار الانوار بخش امامت (ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷)، مترجم: خسروی، موسی. تهران:

اسلامیه، جلد ۴.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۵۱). ادامه آسمان و جهان (ترجمه بحار الأنوار كتاب السماء و العالم)؛ مترجم: كمره‌ای، محمد باقر؛ مصحح: بهبودی، محمد باقر، تهران: كتابفروشی اسلامیه، جلد ۵۷.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۵۱). آسمان و جهان (ترجمه بحار الأنوار كتاب السماء و العالم)؛ مترجم: كمره‌ای، محمد باقر؛ مصحح: بهبودی، محمد باقر، تهران: كتابفروشی اسلامیه، جلد ۵۴.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۷۸). مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، مترجم: دوانی، علی، تهران: اسلامیه. معین محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، تهران: زرین.

هالالی، سلیم بن قیس الهالالی. (۱۳۷۴). أسرار آل محمد عليهم السلام، مترجم: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، قم: نشر الهادی.

(ب) مقاله ها:

شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۶۸). «بیعت و چگونگی آن در تاریخ اسلام»، مجله کیهان اندیشه، ش ۲۶، ص ۱۲۵.

(پ) اسناد:

جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی ریاست

جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات

ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی

ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات

واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، صفحه ۱۲۵. <https://moi.ir/Files/MOI/Files/d\dalea31a-eff2-4518-b34d-4b95a285b44.pdf> (۱۳۹۶) آمار انتخابات، وزارت کشور.

۲. عربی:

(الف) کتب:

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۰). الأملی (للصدوق)، بیروت: اعلمی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، جلد: ۱

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴/۱۳۶۳ قمری)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.

بروجردی، آقا حسین. (۱۴۲۸). جامع أحادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز، جلد ۳۰.

حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، حدیث ۵۸، قم: اسماعیلیان، جلد ۴.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه، مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت.

شیخ صدوق. (۱۳۹۸). التوحید للصدوق، حدیث ۱۳، قم: جامعه مدرسین.

علی بن حسین مسعودی. (۱۴۲۶). إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان.

- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ قمری). تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، جلد ۱.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۹۲). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، الجزء الثالث و العشرون، كتاب الإمامه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۲۶.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۹۲). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، الجزء الحادی و الخمسون، كتاب تاریخ الإمام الثاني عشر صلوات الله عليه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۵۱.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، الجزء الرابع و الخمسون، كتاب السماء و العالم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۵۴.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، الجزء السابع و الخمسون، تتمه كتاب السماء و العالم، تتمه أبواب العناصر كائنات الجو البحر و المعادن و الجبال و الأنهار و البلدان و الأقالیم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۵۷.
- هلالی، سلیم بن قیس الهلالی. (۱۴۰۵). أسرار آل محمد عليهم السلام، قم: الهادی.

Studies of Islamic jurisprudence and Islamic system based on Islamic standards and the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Abstract

The study of the standards of the Islamic religion shows that it was not limited to the Prophet Khatam's mission and later; Rather, he presented a system from the beginning of Adam's life. The majority of Iranians changed the government to the Islamic Republic in support of the referendum of the Islamic Republic on ۱۰/۱۱/۱۳۵۸ AH and the ratification of the constitution adopted on ۲۴/۸/۱۳۵۸ AH. There have been discussions about reforming the system based on Islamic standards; some of the rules of jurisprudence are hidden or not enforced in the constitution, such as the place of Islamic medicine in systematization as a substitute for health and medical care under Directives ۲۳۰۱ / ۱۱۶, dated ۹/۲/۱۳۷۷ and ۱۱۴۱۵/۱۳ dated ۲۳/۶/۱۳۷۷, prohibited physicians from performing cupping in the offices and led to a complaint against the Shari'ah and the constitution based on the ۵۵th verse of the Holy Quran and the fifth principle of this law نامه. According to Letter No. ۱۶۴۷/۲۱/۸۰ dated ۵/۴/۱۳۸۰ Dear Secretary Commentary dated ۳/۴/۱۳۸۰): The jurists of the Guardian Council: Mhhay banned bloodletting has pointed out that doing was illegal. "Circulars in judgments No. ۱۱۸ dated ۱۷/۴/۱۳۸۰ General Board of Administrative Justice Court was falsified. In this paper, a descriptive-analytical method is used to measure the quantity and quality of people's and theocratic view of government.

key words:Iran, Islamic Republic, Governmental Jurisprudence, Constitution, Islamic Standards.